

بررسی نقش زنان در احیای تمدن اسلامی در حوزه فرهنگی-اجتماعی عصر آل بویه

جمیله میرزاخانی^۱، حسین خسروی^۲، سهراب اسلامی^۳

چکیده

حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی عامل مؤثری در توسعه نفوذ شعائر و احکام اسلامی و مدیریت فرهنگی و اجتماعی عصر آل بویه در ایران است. این حضور و نقش آفرینی در ابعاد مختلف تمدن اسلامی- شیعی و نتایج آن با ویژگی‌های منحصر به فردی همراه بوده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و با هدف بررسی نقش زنان در احیای تحولات تمدن اسلامی- شیعی عصر آل بویه انجام شد. بدین منظور منابع مربوطه اعم از مقالات، کتب و منابع تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی که موضوع مطالعه حاضر در آن بررسی شده باشد، یافت نشد. نتایج نشان داد که زنان شیعی تحت تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان امامیه به ویژه با عنایت به ویژگی‌های تعلیمی- تبلیغی آموزه‌های شیعی در مراکز علمی، اجتماعات، مساجد و کانون‌های خانوادگی، نقش مهمی را در تحولات تمدن اسلامی این دوران ایفا کردند، چنان‌که جامعه از توانمندی‌های ایشان به ویژه در عرصه علمی- فرهنگی و برای تقویت هویت شیعی، توسعه نشر معارف دینی، نهادینه کردن فرهنگ اسلامی- شیعی و دگرگونی‌های مختلف جامعه آن عصر بهره گرفت.

واژگان کلیدی: آل بویه، زنان عهد آل بویه، تمدن اسلامی، تحولات فرهنگی- اجتماعی.

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲
۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران.

Email: ellshe.haydar@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hkhosravi88@gmail.com

۳. استادیار گروه معارف، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران.

Email: s.eslami@iau.arat.ac.ir

An Investigation into Women's Role in the Revival of Islamic Civilization in the Cultural-Social Field of Buyid Dynasty's Era

Jamileh Mizakhani¹, Hussein Khosravi², Sohrab Eslami³

The presence of women in different social areas was an effective factor in developing the penetration of Islamic rituals and rules and the cultural-social management of Buyid Dynasty's era in Iran. This presence in different aspects of Islamic-Shiite civilization and its results were accompanied by unique characteristics. This descriptive-analytical study aimed to investigate women's role in the revival of changes of Islamic-Shiite civilization in Buyid Dynasty's era; thus, the related sources, including articles, books, and historical sources, were reviewed, and it was determined that there was no research examining the subject of this study. The results of this study indicated that Shiite women, who had been being educated by Ahl al-Bayt's teachings and great Imamieh people, especially concerning the educational-promotional characteristic of Shiite teachings in scientific centers, communities, mosques, and family centers, played an important role in the changes of Islamic civilization in that era; as the society took advantage of women's abilities particularly in scientific-cultural field and for improving Shiite identity, expanding religious knowledge, institutionalizing Islamic-Shiite culture, and different changes of that era.

Keywords : Buyid Dynasty, women in Buyid Dynasty's era, Islamic civilization, cultural-social changes.

Paper Type: Review

Data Received: 2019/01/27 Data Revised: 2020/07/05 Data Accepted: 2020/07/12

1. Ph.D. Student in History, Islamic Azad University, Khomein Branch, Khomein, Iran.

Email: ellah_e_haydar@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Knowledge, Faculty Member of Islamic Azad University, Khomein Branch, Khomein, Iran. (Corresponding Author)

Email: hkhosravi88@gmail.com

3. . Assistant Professor, Department of Knowledge, Faculty Member of Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran.

Email: s.eslami@iau.arat.ac.ir

تمدن اسلامی در زمانی کوتاه به ویژه در دوران طلایی حکومت عباسی با اهتمام و نقش آفرینی مردان و زنان شیعی در مناطق تحت حکومت آل بویه (جعفری و محمدی، ۱۳۹۷؛ فقیهی، ۱۳۶۶؛ نحوی، ۱۳۸۱؛ کاهن، ۱۳۸۳) در قرن چهارم هجری در نقاط تحت حاکمیت این خاندان گسترش یافت. در این دوره فعالیت حوزه‌های مختلف علمی-پژوهشی امکان عرضه معارف شیعی در صحنه رقابت میان مذاهب مختلف اسلامی، تقویت حضور شیعیان از جمله زنان در فعالیت‌های مختلف علمی، فرهنگی و ارائه خدمات اجتماعی و مطالبه حقوق مدنی آنها را میسر کرد (میرزا قمی، ۱۳۷۱) و زمینه اقبال عمومی به معارف و افزایش منزلت اجتماعی را به دنبال داشت (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶). در عصر آل بویه به پیروی از اسلام و سنت، شخصیت از دست رفته زنان احیا شد و زنان مانند نیمی از پیکره جامعه در تحولات و گسترش تمدن اسلامی- شیعی گام برداشتند.

بحث و بررسی نظری نقش و جایگاه زنان در گسترش تمدن اسلامی در ابعاد فرهنگی- علمی و حوزه‌های اجتماعی بدین دلیل مهم و ضروری است که نقش آفرینی زنان در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی عصر آل بویه در منابع و اسناد تاریخی به طور منسجم بررسی نشده است. این در حالی است که بقا، استمرار و تحکیم پایه‌ها و بنیان‌های حکومت دینی به کیفیت و میزان مشروعیت و مقبولیت آن در میان اندیشمندان از سویی و عامه مردم از سوی دیگر وابسته است. از این رو، در عصر طلایی عباسیان با ظهور حکومت آل بویه به عنوان حکومتی شیعی در ایران با توجه به عوامل قدرت یافتن آل بویه که حکومت مستقل شیعی بود باید به این مهم پرداخته شود که زنان نقش آفرین در این دوره براساس پیش زمینه‌های علمی- فرهنگی و اسلامی- شیعی آل بویه توانستند در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی تمدن اسلامی ایفای نقش کنند و در توسعه تمدن اسلامی شیعی حکومت آل بویه در ایران عصر عباسیان سهیم باشند. هاجسن^۱ (۱۹۷۴) معتقد است که مطالعه نقش آفرینی زنان در حوزه‌های فرهنگی- اجتماعی در سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران عصر آل بویه تنها مطالعات ادبی و لغت‌شناختی کافی نیست و باید مطالعات اجتماعی،



تاریخی و پژوهش‌های تمدنی در مورد اسلام و تاریخ مسلمانان از جمله نقش‌آفرینی زنان در تمدن اسلامی را جدی گرفت. در مورد نقش و جایگاه زنان در گسترش تمدن اسلامی در عصر آل بویه مطالعات چندانی وجود ندارد، فقط در برخی تحقیقات به طور اجمال به این موضوع اشاره شده است (رک.، نرگسی، ۱۳۸۲؛ ریاحی، ۱۳۸۵؛ بیانی، ۱۳۸۶؛ شریفی، ۱۳۸۹؛ مفتخری و سجادی، ۱۳۹۱؛ وطن‌خواه، ۱۳۹۴؛ میردامادی، ۱۳۹۵).

تمدن کلمه‌ای عربی، در لغت به معنای شهر و شهرنشینی و هم خانواده آن، مدینه و مدنیت (لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین ذیل کلمه تمدن)، کشیدن و فرهیختن است. تمدن از بین نمی‌رود بلکه تغییر و تکامل پیدا می‌کند. (آریان‌پور، ۱۳۸۸) هنری لوکاس در دیباچه **کتاب تاریخ تمدن**، تمدن را پدیده‌ای درهم‌تنیده می‌داند که تمام رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۸۲). تمدن پژوهانی مانند آلفرد وبر تمدن را با کارکردهای عینی، فنی و اطلاعاتی جامعه یکی می‌دانند (آشوری، ۱۳۸۰). نوربرت الیاس، تمدن را در پیوند با جلوه‌های بیرونی زندگی انسان می‌داند (کریمی‌قہی، ۱۳۸۶)؛ اوسوالد اشپنگلر یکی از طرف‌داران این تفسیر است (روح‌الامینی، ۱۳۹۴). با توجه به تمام مبانی مورد اتفاق از واژه تمدن، باید گفت که تمدن بدون فرهنگ پویا نه پامی‌گیرد و نه می‌پوید؛ تمدن بدون مبنا و زمینه قبلی پدید نمی‌آید و مبنای تمدن و نیروی حرکت‌دهنده آن، فرهنگ است. فرهنگ، جامعه را پیش می‌برد، به آن اوج می‌بخشد و به مرحله‌ای می‌رساند که با یک رخداد، یک جرقه و یا یک تکان شدید، تمدنی از دل خاک سربرمی‌آورد. فرهنگ، هویت بخش تمدن‌ها و وجه متمایزکننده آنها از یکدیگر است؛ یعنی این فرهنگ است که به مبنای قضاوت انسان‌ها درباره تمدن شکل می‌دهد (ابراهیم‌نژاد و پورعباس، ۱۳۹۶).

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. خلافت عباسیان و آل بویه

عصر خلافت و حکومت بنی‌عباس (۱۳۲ق-۶۵۶ق) از مهمترین سلسله‌های خلافت اسلامی است که بیش از پنج قرن یعنی، نزدیک به ۵۲۴ سال بر بیشتر مناطق اسلامی دوام داشت، با ابوالعباس سفاح آغاز و با مرگ مستعصم به دست مغولان، منقرض شد. خلافت عباسی

با توجه به تغییر و تحولات سیاسی به دوره‌های مشخصی تقسیم شده است: دوره اول از سال ۱۳۲ تا ۲۳۲ که دوران نیرومندی، گسترش و شکوفایی عباسیان بود. با خلافت ابوالعباس سفاح آغاز و با خلافت واثق پایان یافت. دوره دوم با نفوذ ترکان و خلافت متوکل آغاز و در خلال حکومت مستکفی پایان یافت (از سال ۲۳۲ تا سال ۳۳۴). دوره سوم که همزمان با ظهور حکومت آل بویه در سرزمین‌های تحت حکومت عباسی، نقطه عطف سیاسی در روابط ایران و بغداد و آغازی بر ورود خلفای عباسی است که به دوره ضعف سیاسی و از دست دادن اقتدار معنوی و دنیوی خلافت معروف است. (طبری، ۱۳۶۳/۲/۶۷)

پس از دوران نفوذ آل بویه (سال‌های ۳۳۴ تا ۴۴۷) که در زمان خلافت قائم پایان پذیرفت جنگ‌ها، شورش‌ها، قحطی و گرانی، مرکز خلافت را تهدید می‌کرد. (ابن اثیر، ۱۹۶۷/۲/۴۳؛ عمادزاده، ۱۳۷۵) در این دوره، آل بویه قدرت یافت، زمام کشورهای اسلامی در عراق و ایران دست ایرانیان بود و به نفع اهل بیت علیهم‌السلام و اولاد حضرت علی علیه‌السلام قدم‌های بلندی برداشته شد (انصاری پور، ۱۳۹۴). این خاندان از دیلم در لاهیجان گیلان برخاسته بودند و در بخش مرکزی، غربی و جنوبی ایران و عراق فرمانروایی می‌کردند (ابن مسکویه، ۱۳۷۹؛ هربرت، ۱۳۹۰). دیلمیان از دیرباز به علت شجاعت و مهارت‌های جنگی در شاخه نظامی ایران سرآمد بودند. کارآمدی در بخش نظامی، آنها را در تسلط بر قلمروی وسیعی از جهان اسلام یاری کرد چنان‌که در ادامه تسلط آل بویه بر خلفای عباسی و تضعیف آنها، زمینه بازگشت به قدرت را برای ایرانیان و شیعیان فراهم کرد (ابن اثیر، ۱۹۶۷/۱/۷۳).

تسلط آل بویه بر بغداد، ضعف خلفای عباسی را که از چندین دهه پیش آغاز شده بود، آشکار کرد. «از آن پس خلفا را جز لوا و منشورفرستادن و خلعت دادن و پاسخ پادشاهان اطراف کاری نماند» (مجموعه التواریخ و القصص، بی‌تا). قدرت آل بویه که ترازوی حکومت و جامعه اسلامی را به طرف تشیع سنگین‌تر کرده بودند و در صدد تلفیق آداب ایرانی و دیانت اسلامی از نوع شیعی بودند هم‌زمان با بغداد در ایران نیز ضعیف شد. نبود یک حکومت واحد، آنها را با نابودی روبه‌رو کرد چنان‌که محمود غزنوی در سال ۴۲۰ هـ.ق برری یعنی، مرکز شاخه جبال آل بویه مسلط شد و به پیروزی خود بر آل بویه رنگ مذهبی بخشید و آن را جنگ با الحاد و پیروزی بر ملحدان نامید. او در نامه‌ای که به خلیفه القادر بالله نوشت، مجدالدوله و اطرافیان‌ش را

باطنی خواند (مجمل التواریخ و القصص، بی تا).

۲-۲. تعلیم و آموزش زنان در دوره پیش از آل بویه

قرآن کریم با کمال صراحت در آیات متعدد، زنان را از جنس مردان و از سرشتی مانند سرشت مردان معرفی می‌کند. اسلام، نقش زن بر روی زمین را فقط زاییدن نوزاد نمی‌داند بلکه او بایسته و قادر است که همان اعمال خوبی را که مردان انجام می‌دهند، انجام دهد. پیامبر ﷺ نه تنها خودش معارف آموخته از جانب خدا را بر همسرانش عرضه می‌کرد بلکه مردان دیگر را نیز امر می‌کرد تا چنین روشی را در زندگی با همسر اتخاذ کنند. ایشان به امام علی علیه السلام فرمود: «فراگیر و به خانواده‌ها نیز بیاموز» (مجلسی، ۱۳۷۶، ۲/۱۰۰). محصول این محافل علمی خانوادگی، همسران اندیشمندی هستند که با ایفای نقش مادری و همسری، در جوار پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام به مقامات رفیع علمی رسیدند (مؤمن و غروی نایینی، ۱۳۹۵) که از جمله می‌توان به ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، اشاره کرد که آموخته‌های خود را به دیگران انتقال می‌داد (موسوی جاجرمی، ۱۳۸۷). برخی از زنان صحابی مانند سلمی، همسر ابی رافع نیز روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌شنید (سبحانی، ۱۴۱۸ هـ.ق/۱۰/۱۹) و به دیگران انتقال می‌دادند. ادامه تلاش زنان به دریافت‌های علمی و آموزه‌های دینی به نظر می‌رسد گرایش‌های جامعه زنان به تصوف و عرفان عملی تاحدی با ذوق ادبی و شعری آنها قابل توجیه است (عزیزی، ۱۳۹۴). ابن خلکان می‌گوید:

مادر حسن بصری که در سده اول هجری زندگی می‌کرد برای زنان داستان‌های دینی تعریف می‌کرد و با سخنان پندآمیز، آنها را موعظه و ارشاد می‌کرد و این در زمانی بود که پسرش، حسن، به نقل داستان‌های دینی و تشکیل مجالس درس برای مردم می‌پرداخت. (ابن خلکان، ۱۳۹۱، ۴/۱۶۰)

باتوجه به این رویکرد اسلامی است که آموزش در میان زنان مسلمان در طول تاریخ، شیوه رایجی بوده است؛ احمد بن حنبل که خانه خود را به نهادی آموزشی تبدیل کرده بود در آغاز شب در خانه خود برای زنان کلاس جداگانه‌ای داشت. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۱۴/۴۲۵) از این رو، تمدن و فرهنگ اسلام برپایه تلاش مسلمانان اندیشمند و مروجان آیین نبوی به اوج رسید و در این تلاش‌ها زنان نیز سهیم بودند چنان‌که در دوره مورد بحث یعنی، عصر آل بویه نیز می‌توان شاهد پویایی و فعالیت این قشر در حوزه‌های مختلف بود.

۲-۳. دانش، فرهنگ و تمدن در عصر آل بویه

تمدن اسلامی در عهد آل بویه ویژگی ممتازی داشت و آن، برپایی مبنایی استوار برای پیشرفت علوم در همه رشته‌ها با تلاش مردان و زنان مسلمان بود. بر همین اساس، در عصر آل بویه تمدن اسلامی-شیعی در ایران گسترش یافت. این گسترش به زمینه‌های مختلفی مانند حمایت حاکمان آل بویه از این تمدن و اندیشمندان آن چون سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن جنید اسکافی و گسترش مراکز علمی وابسته بود (نحوی، ۱۳۸۱). در دوره آل بویه کتابخانه‌های شیراز، ری و اصفهان نیز که به دست دولت مردان آن بنا شد تحسین جهانیان را برانگیختند. مشهور است که ابن سینا نزد شمس الدوله جایگاه و مقامی عالی در حد وزیر داشت (کاهن، ۱۳۸۳). حضور فعال و گسترده دانشمندان بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری در دربار آل بویه و فراهم کردن امکانات علمی و رفاهی برای آنها گواه راستینی بر نقش مؤثر این خاندان شیعی در به‌ثمررساندن رنسانس اسلامی است (مدرسی، ۱۳۷۹). در این دوره علاوه بر علمای علوم دینی، می‌توان به جغرافی‌دانی مثل استخری، ریاضی‌دان همچون ابوالوفای بوزجانی، پزشکان برجسته‌ای مثل مجوسی و نسوی که اعداد هندی را رایج کرد، اشاره نمود که مورد حمایت آل بویه بودند (کاهن، ۱۳۸۳). بنابراین، دوره آل بویه طلایی‌ترین دوران‌ها بعد از زمان پیامبر ﷺ برای مسلمانان و تمدن اسلامی بود. مهمترین زمینه پیشرفت مسلمان‌ها و تمدنشان در آن دوره، وجود حاکمانی است که علمای مرد و زن را به رسمیت شناختند، جایگاه ویژه‌ای برای آنها قراردادند و همیشه پشتیبانشان بودند که در پیشرفت علوم و پرورش استعدادها بسیار مؤثر بوده است (کاهن، ۱۳۸۳).

۲-۴. عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی عصر آل بویه

وضعیت فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی در این دوره به‌گونه‌ای بود که زمینه مساعد در نقش‌پذیری زنان در عرصه‌های مختلف فراهم بود. این زمینه‌ها از سیره نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام نشأت گرفته بود؛ زیرا لازمه حکومت شیعی آل بویه، چنین شرایطی را در جامعه برای مردان و زنان فراهم کرده بود.

۲-۴-۱. علاقه مندی حاکمان آل بویه به فرهنگ و تمدن اسلامی- شیعی

حاکمان در آغاز دوره آل بویه، درگیر مسائل سیاسی و ایجاد زمینه‌های آرامش و امنیت داخلی بودند. بنابراین، طبیعی بود که علم، چندان رونقی نداشته باشد، ولی با به قدرت رسیدن عضدالدوله به دلیل صلح و آرامش ناشی از حکومت و علاقه وی به دانش، بازار علم رونق یافت و در زمان حکومت فرزندان او هم این گونه بود. (فقیهی، ۱۳۹۰) مهمترین دستاوردهای این دوران در زمینه نجوم، پزشکی و ریاضیات بود که زنان نیز در این عرصه‌ها حضور داشتند. ابوعلی مسکویه انبوهی از اصلاحات و آبادانی‌ها مربوط به روزگار عضدالدوله را برمی‌شمارد: بیمارستانی در شیراز، بیمارستان معروف دیگری در بغداد که برای رونق آنها پزشکان نام‌آوری را به آنجا برد و تأسیسات ممتاز در آنجا نهاد (رک.، مفتخری و سجادی، ۱۳۹۱). امیران و وزیران آل بویه چون بسیاری دیگر از امیران دولت‌های متقارن، فرهنگ و دانش را زینت محافل خود کرده بودند از جمله حکمرانان دانشمند آل بویه، عضدالدوله بود که از اساتید بزرگی چون ابوعلی فارسی، ابوالفضل بن عمید، ابوسلیمان سجستانی، ابوالحسین صوفی و ابن علم بهره برد (قفطی، ۱۳۷۱؛ ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ۶/۳۴۱). وی در علوم مختلف مانند ریاضیات و هندسه، هیأت و نجوم، سیاست و مملکت‌داری متبحر بود و در نحو و ادبیات عرب، خود را شاگرد سرآمد نحویان یعنی، ابوعلی فارسی می‌دانست و بدان افتخار می‌کرد (ابن طاووس، ۱۳۶۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۷/۲۷۵).

۲-۴-۲. حمایت حاکمان آل بویه از دانشمندان، تأسیس کتابخانه‌ها و تألیف کتاب‌ها

دوران حکومت آل بویه عصر پیشرفت علم و ادب بود. حاکمان آل بویه علاقه خاصی به اهل علم داشتند و به ویژه از شعرا و علمای حکمت استقبال می‌کردند. خدمات علمی، فرهنگی کتاب و کتابخانه در دوره بویهی اوضاع و شرایط سیاسی به وجود آمده در جهان اسلام، بستر مناسبی برای رشد و توسعه فرهنگ و دانش در این عصر پدید آورده بود که حاکمان آل بویه در آن، نقش چشمگیری داشتند. حجم عظیمی از کتاب‌هایی که در علوم و فنون مختلف مانند فقه، تفسیر، حدیث، تاریخ، جغرافی، ریاضی، نجوم، طب، فلسفه، کلام و شعر، لغت و... نوشته شده گواه درخشش و بسط و گسترش فرهنگ و علوم و توجه به آن در این برهه از تاریخ است. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۴، ۲/۱۰۶)

۲-۴-۳. تسامح و تساهل آل بویه

حاکمان آل بویه علاوه بر دستاوردهای تمدنی و فرهنگی با اینکه شیعه مذهب بودند، اما با تسامح و تساهل دینی و مذهبی از افرادی با گرایشات دینی و مذهبی مختلف در بالاترین منصب‌های اجتماعی استفاده کردند. (سجادی، ۱۳۶۷/۱، ۶۲۹) آنها با استفاده از این روش، فضای خوبی را برای نشر افکار و اندیشه‌های گروه‌های مختلف مذهبی از جمله زنان فراهم کرده بودند تا آنها با امنیت به تدوین اصول فقهی و کلامی و فلسفی بپردازند.

۲-۴-۴. تشکیل جلسات مناظره

در این دوره، تشکیل مجالس مناظره علمی، کلامی و ادبی در مکان‌های مختلف رونق یافته بود. کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها نیز شاهد برگزاری بسیاری از این مناظره‌ها بود. برخی از بزرگان و دانشمندان، منازل خود را برای تدریس یا مناظره با ارباب مذاهب اختصاص داده بودند. منزل شیخ مفید از جمله این مکان‌ها بود که مناظره‌های شیخ در آن انجام می‌گرفت. عامل تأثیرگذار بر رونق اندیشه و علوم در حوزه‌های مختلف و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی-شیعی عصر آل بویه، حاکمان و وابستگان حکومت و همچنین تشکیلات علمی رواج یافته از سوی حکومت، تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی وزیران دانشور و با کفایت آل بویه و تساهل و تسامح با پیروان دیگر ادیان بوده است. (سجادی، ۱۳۶۷/۱، ۶۳۰)

۲-۵. حضور زنان در حوزه‌های مختلف تمدن اسلامی-شیعی

عصر طلایی خلافت اسلامی همراه با گسیختگی سیاسی-جغرافیایی حکومت مرکزی عاملی بود تا آل بویه با نفوذ در پایه‌های حکومت عباسی و استقلال طلبی در ایران توانست معیارها و اندیشه‌های شیعی را گسترش دهد. در این روند سیاسی، زنان نیز توانستند به عنوان افراد خلاق، نقش‌پذیر و تأثیرگذار باشند. هرچند فعالیت آنها برای همه جامعه زنان آن دوره فراگیر نبود و تنها وابستگان به حاکمیت بودند که توان این تأثیرگذاری را داشتند، ولی زمینه‌های توانمندسازی زنان در پنج حوزه رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل که به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است در جامعه عصر آل بویه دنبال شد. (لانگه، ۱۳۷۲) حاکمان آل بویه علاقه‌مند به عالمان و دانشمندان بودند که با این دیدگاه به خدمات علمی، فرهنگی به ویژه فرهنگ شیعی اهمیت می‌دادند تا اینکه بستر مناسبی

برای توسعه علم و تمدن اسلامی که زنان نیز در آن نقش داشتند، فراهم آمد. بررسی گذرا از زندگی‌نامه‌های دانشمندان زن و نقش‌آفرین در گسترش تمدن و فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد که بیشتر آنها از خانواده‌های علما و دانشمندان بودند. همه زنان این بخت را نداشتند که در جلسات درس اساتید بزرگ شرکت کنند، ولی برای زنانی که از بستگان و خویشان استادان و دانشمندان بودند این امکان فراهم بود. برخی معتقدند که زنان مسلمان در سده میانه، خصوصی درس می‌خواندند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۴).

۲-۶. نقش‌آفرینی زنان در عرصه علمی، فرهنگی و آموزشی دوره آل بویه

وضعیت مطالعات و آثار علمی، فرهنگی و آموزشی زنان در عصر آل بویه گویای این است که جایگاه ادبیات علمی آنها بهتر از حوزه فقهی است. بنابراین، پررنگ‌ترین چهره تاریخی جامعه زنان را باید در نظام تربیت، شعر، کتابت، انشا، ادب و هنریافت تا نظام دانش و فلسفه و نویسندگی. زن در عقلانیت عاطفی و احساسی و هنرهای ظریف، بیشتر از زن در قلمروی عقلانیت فلسفی و دانش و تحقیق و تألیف و نویسندگی جلوه کرده است؛ هرچند زن درباری به اقتضای حال و ضرورت، گاهی حضور تامی در میدان سیاست داشت. (براهنی، ۱۳۶۰)

با نگاهی به دوره‌های مختلف تمدن اسلامی در ایران به ویژه دوره آل بویه روشن می‌شود که حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و از مهمترین و مؤثرترین عوامل در توسعه نفوذ شیعیان در عرصه مدیریت اجتماعی بود. زنان شیعی تحت نظارت و تأیید اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان امامیه و خاصیت تعلیمی-تبلیغی آموزه‌های شیعی، نقش مهمی را در تحولات تاریخی این دوران ایفا کردند. در نتیجه، عموم جامعه از توانمندی و ظرفیت‌های زنان به ویژه در عرصه جهاد فرهنگی و برای تقویت هویت شیعی، توسعه مناسبات اجتماعی، نشر معارف دینی، نهادینه کردن فرهنگ انتظار و حضور مؤثر در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی بهره گرفتند. (سعیدیان جزی، ۱۳۹۶)

زنان شیعی جایگاه مهمی در این رویکرد داشتند و مشارکت فعال آنها در عرصه‌های اجتماعی بیانگر گرایش به رویکرد نقش اجتماعی و فرهنگی آنهاست. چنان‌که اهتمام زنان شیعی برای پیوند با برخی از دانشمندان امامیه که گرایش اصولی و اجتهادی داشتند حضور فعال در عرصه مبارزات فرهنگی و تلاش برای حراست از مظاهر فرهنگی و

تمدنی شیعی بیانگر سطح رشد معرفت اجتماعی شیعیان و مواجهه صحیح با مقوله غیبت و انتظار در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان است. زنان در دوره آل بویه با تأثیر تدبیر آگاهانه و مدبرانه بر تربیت در خانواده‌های شیعی نقش‌ی فعال داشتند چنان‌که گروهی از کسانی که منتسب به علویان و شیعیان بودند به‌عنوان زوج صالح یا زنان مؤمنه شهرت تاریخی یافتند. از جمله می‌توان ام کلثوم بنت ابی‌جعفر، محمدبن عثمان عمری (پدر وی)، محمدبن عثمان عمری (دومین نایب خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فاطمه علوی (مادر سید رضی و سید مرتضی) را نام برد (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۶). در عصر آل بویه مساجد و منازلی وجود داشت که در آن اندیشمندان مرد و زن شیعی به نشر فرهنگ و آموزه‌های دینی مشغول بودند. در دیباچه **کتاب ادب‌المعلمین** ابن‌سحنون آمده است:

بارها پدر به دختران خود در خانه درس می‌دهد. ابن‌مسکین عادت در نشستن به تدریس شاگردان تا نماز عصر داشت و آن‌گاه دو دختر برادر و نوه‌هایش را فرامی‌خواند و به آنها قرآن و دانش دیگر می‌آموخت. اعشی، شاعر نامی، به دخترش درس می‌داد تا اینکه زنی دانشمند شد و چنان ذوقی یافت که شعرهای تازه سرود و پدر را به نقد می‌کشید. (سعیدیان جزئی، ۱۳۹۶)

تحصیل و تدریس زنان و مشارکت آنها در عرصه‌های علمی و فرهنگی یکی از ویژگی‌های برجسته حکومت آل بویه بود. عایشه ورکانیه معروف به ام‌الحسن (ق. ۴۶۰ ه. ق.) یکی از زنان برجسته بود. وی از مشهورترین علما، دانایان و واعظان عصر خویش است و به نوشته سمعانی، جماعتی از مردان و زنان زمان او حضور وی را درک کرده‌اند و بسیاری از این افراد از شهرها و مناطق دیگر راهی مجلس درس او شده‌اند. از جمله می‌توان در بین آنها به ام‌الرضا یا ضوء (دختر حمدبن علی حبال)، ابوالعز حسن بن هادی علوی و ابومنصور حسین بن طلحه صالحانی اشاره کرد. (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ۵/۵۹۲) ام‌الکرام اصفهانی معروف به فخرالنساء نیز از زنان عالم و دانشمند در آن دوران بود (ریاحی، ۱۳۸۵). وی دختر ابوالفضایل اسعدبن قاضی اصفهانی از خاندان حدیث و فقه بود که ابن‌قولویه از او حدیث شنید (سمعانی، ۱۳۹۵).

زنان شیعی نقش مهمی در ثبت و ضبط میراث علمی و عملی اهل بیت علیهم‌السلام و انتقال نمادهای فرهنگ دینی به جامعه داشتند. از این نمونه می‌توان به مشارکت زنان در نشر دعاها و زیارات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام اشاره کرد. این آثار نقش مهمی در اصلاح فردی و

سلامت معنوی جامعه داشت. حضور زنان در این زمینه بیشتر قابل توجه است؛ زیرا در این دوره برخی زنان با حفظ نقش برجسته مادری در نقش اجتماعی خود، بیشترین استفاده از ابزاری مثل احتجاج، خطابه، مرثیه و شعر را داشتند. از زنانی که این ابزار را برای دفاع از حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام و ارشاد عمومی به‌کار می‌بردند و در چارچوب مبارزات فرهنگی به افشای سیاست‌های ظلمه و مقابله با جریان‌های انحرافی می‌پرداختند، می‌توان مادرین ادریس حلی و والده ابن‌ورام که در این دوره بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، را نام برد. (نوری، ۱۴۰۸) این دو افزون بر انجام نقش مادری و همسری در مبارزات فرهنگی با دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام حضور داشتند و همسران خود را در این عرصه یاری می‌دادند (طبرسی، ۱۴۲۰ ه.ق).

فاطمه بنت ابی محمد حسن (حسین) علوی از نوادگان ناصر اطروش (ناصر اطروش از سادات حسینی و از شاگردان و مریدان امام عسکری علیه‌السلام است) نیز از جمله این زنان است. وی سرانجام در سال ۳۰۴ هجری در شهر آمل از دنیا رفت. مهمترین وجه شهرت این بانوی علوی به دلیل آن است که وی مادر سید رضی و سید مرتضی بوده است. ایشان در خانواده‌ای محترم و شریف متولد شد و در سنین جوانی با ابوالحسن محمد بن ابی‌احمد علوی ازدواج کرد و افزون بر تربیت فرزندان موفق و پشتیبانی از همسرش به ارشاد مردم نیز همت ورزید. این بانوی علوی، علوم دینی و فقه را از محضر پدر و دیگر شخصیت‌های بنام آن زمان فراگرفت و شاگردان بسیاری تربیت کرد. (نوری، ۱۴۲۰ ه.ق) دو دختر ایشان، خدیجه وزینب، از اهالی علم و فضیلت بودند (ابن‌خلکان، ۱۳۹۱، ۲۰۷/۲). سیدمرتضی فرزند دیگر ایشان بر نقش مادر خود تأکید دارد؛ زیرا یکی از عوامل موفقیت وی، مادرش بوده است. به نظر می‌رسد علت تأکید سید مرتضی بر این مسئله به واسطه نقش مادر در دوران کودکی و نوجوانی آنها و تصمیمی مهم بود که او برای آموزش و تعلیم فرزندان گرفت. حضور این مادر در خانواده و صبر و متانت و پرهیزگاری وی در رویارویی با این موضوع از سویی و به‌ویژه اقدام وی در انتخاب استادانی مبرز و نمونه برای امر تعلیم فرزندان نقش مهمی در رشد و بالندگی سیدرضی و سیدمرتضی ایفا کرد. سوگواری و مرثیه‌هایی که در رثای این بانوی علوی سروده شده بیانگر اهمیت و اعتبار وی در خانواده و جایگاهش در نزد معارف شیعی است (سیدمرتضی، ۱۴۰۵ ه.ق). نمونه دیگر، اهتمام دختر سیدمرتضی در انتقال بخشی از سخنان

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام است (قیومی اصفهانی، ۱۳۹۴).

برخی از زنان شیعی که در آغازین سده عصر غیبت در عرصه فراگیری علم و تلمذ در محضر بزرگان و رجال شیعه فعالیت داشتند عبارتند از: ام‌کلثوم (بنت ابی جعفر محمدبن عثمان عمری) که اخبار متعددی را از قول پدرش (محمدبن عثمان عمری دومین نائب خاصه حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام) درباره ناحیه مقدسه و پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل می‌کند. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳) فاطمه علوی، مادر سیدرضی و سیدمرتضی، که محضر بزرگان امامیه مانند شیخ مفید را درک نمود و برخی از آموزه‌های شیعی به واسطه او در جامعه شیعی نشر یافت (نوری، ۱۴۰۸ ه.ق). سیدمرتضی دو دختر داشت که از زنان فاضله و عالمه عصر خود بودند. درباره نام این دو خبری در دست نیست. یکی از آنها نزد عمویش، سیدرضی، تلمذ کرد و از جانب ایشان اجازه نقل حدیث یافت و یکی از روایان **نهج‌البلاغه** بود (نوری، ۱۴۰۸ ه.ق). دختر صاحب‌بن‌عباد، وزیر بویه‌پیمان از دیگر زنان شیعی است که پدرش برای رشد و تربیت وی بسیار تلاش کرد (صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۸۳). از دیگر زنان دانشمند و عالمه شیعی که به‌ویژه مورد توجه منابع رجالی قرار گرفته‌اند، می‌توان به دختران شیخ طوسی و سیدبن طاووس اشاره کرد (صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۸۳).

۷-۲. نقش زنان در عرصه اجتماعی دوره آل‌بویه

با نگاهی به دوره‌های مختلف تمدن اسلامی در ایران به‌ویژه دوره آل‌بویه روشن می‌شود که حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سیره پیشوایان معصوم و از مهمترین و مؤثرترین عوامل در توسعه نفوذ زنان در عرصه مدیریت اجتماعی بود. (سعیدیان جزی، ۱۳۹۶) تأثیر نقش زنان در حوزه‌هایی چون میزان فعالیت آنها بر باروری، تقویت کانون خانواده و بقای کودکان در متون فکری اسلامی بازمانده از دوران رسول‌گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام مورد توجه بوده است. بنابراین، در بخش‌هایی از عصر حاکمیت آل‌بویه در ایران آنچه مورد توجه قرار گرفت بازگشت نگاه قرآنی به انسان است که به نقش زنان توجه قابل ملاحظه‌ای شده است به طوری که علاوه بر نقش‌های ذاتی، نقش‌های اجتماعی به زنان داده شده است که در نوع خود بی‌نظیر هستند و اسوه‌های زیادی دارند و در تاریخ اسلام هم قابل تأمل است (زهانی و حسن‌زاده، ۱۳۹۳).

سیر تحول اجتماعی و فرهنگی در دوره آل بویه در سرزمین و جامعه ایران و نقش زنان در این تغییر و دگرگونی و تأثیر آنها در فرهنگ و تمدن این عصر نشان می‌دهد که زنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و ادبی حضور داشته‌اند. در این دوره، زنان نقش تاریخی-اسلامی خود را نشان دادند چنان‌که زن شیعه‌ای به نام ملکه حره ۵۰ سال حکومت کرد. وی به‌عنوان زنی مقتدر در ابعاد مختلف در جریان‌ات اجتماعی و اصلاح امور، ده سال در کنار همسر فرمانروایی کرد و ۴۰ سال بعد از وی حکومت را اداره کرد و سیطره دولتش را به مکه و مدینه هم ارتقا داد (جان احمدی، ۱۳۹۴). از این رو، در دوره آل بویه در امتداد حضور زنان در مساجد به فعالیت‌های مختلف فراخوان شده بودند تا نه تنها کارکرد فرهنگی-عبادی را پیش ببرند بلکه مسائل سیاسی-اجتماعی را نیز دنبال کنند. در میان زنان شیعی افرادی بودند که با درایت از طریق اصول، روابط سیاسی و قدرت‌مداری حاکم، به امور اجتماعی پرداختند. از جمله آنها می‌توان از سیده خاتون نام برد؛ سیده خاتون توانست در راه گسترش تمدن اسلامی و تقویت بنیان شیعی گام بردارد. (حسن‌زاده و میرعلی، ۱۳۹۴) وی در شناخت و به‌کارگیری اصول سیاست و پایبندی به تعهدات اخلاقی و اجتماعی اهتمام ورزید (حسن‌زاده و میرعلی، ۱۳۹۴). اگر بازماندگانش تجارب درخشان وی را در نحوه مدیریت امور به‌کار می‌گرفتند، چه بسا آینده حکومت آل بویه روشن‌تر می‌شد. سیده ملکه خاتون با عملکرد مثبت، تغییر چشمگیری در سنن جامعه زمان خویش ایجاد کرد و تعجب همگان را برانگیخت. وی که به علو دانش نیز اهمیت می‌داد خدمات فرهنگی مختلفی مانند انتخاب استادان صاحب‌نام و عالم، احمد بن فارسی همدانی عالم لغوی، برای فرزندش مجدالدوله انجام داد. سیده خاتون علاوه بر مسائل سیاسی، چون مادری دلسوز زمینه آموزش‌های مذهبی و علمی را برای فرزندش مجدالدوله فراهم کرد. مجدالدوله با کیاست و درایت مادر در محضر استادان دانشمند و شیعه‌مذهب از فلسفه و کلام بهره‌گرفت (بیهقی، ۱۳۵۸). بوعلی سینا، دانشمند و فیلسوف نامی ایران، نیز مدتی از عمرش را نزد سیده خاتون و مجدالدوله گذراند (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۴).

در لابه‌لای گزارش‌ها و روایات موجود در متون مختلف اسلامی درباره بیان منزلت اجتماعی زنان شیعی و انتساب رجال امامیه به آنها ذکری از زنانی می‌شود که نامشان در

فهرست هیچ‌کدام از طبقات رجالی نیست، اما افراد منتسب به آنها مشهور و مورد اعتبار مجامع حدیثی و روایی هستند. (ابن طاووس، ۱۴۱۷هـ.ق؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۵هـ.ق) این مهم بیانگر اهمیت نقش زنان شیعی در تربیت بزرگان شیعی است و از سویی حامل اشاراتی درباره مقدار سلامت معنوی و توسعه معرفت اجتماعی در بین شیعیان به واسطه حراست و پاسداشت از مقام منزلت زن است. بنابراین آنچه گفته شد این نکته قابل توجه است که در دوره آل بویه و در پرتو تعالیم اسلام، زن نه تنها از وضعیت فجیع دوره‌های قبل نجات یافت بلکه برای زن شخصیت حقوقی مستقل نیز ایجاد شد. از این دوره به بعد بسیاری از زنان با پیدا کردن شخصیت حقوقی مستقل به فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی اقدام کردند. درحالی‌که در جامعه عصر عباسی که زنان از ورود به مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی حتی در درون حرمسرا منع می‌شدند و مردان بر زنان حکومت می‌کردند، زنانی هم دیده می‌شوند که با وجود نادیده‌انگاشته شدن، صاحب خرد، رأی و تدبیر بودند و در بطن جامعه حضور داشتند.

۲-۸. زنان و احیای تمدن نوین اسلامی در مساجد دوره آل بویه

سیره نبوی در مبارزه با جهل و بی‌سوادی زنان و مردان است و برای دستیابی به این هدف، مسجد در جامعه اسلامی صدر اسلام تنها محل عبادت نبود بلکه مرکزی برای تبلیغ آیین اسلامی، بیان احکام، تفکرات سیاسی، انتقال فرهنگ اسلامی و جایگاهی برای رفع مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی بود. بنابراین، مسجد به‌عنوان کارآمدترین نهاد دینی اسلام در تداوم حیات اجتماعی، سیاسی و گسترش مبانی علمی، فرهنگی و به‌طور کلی پایگاه ساخت تمدن اسلامی بود که در تحولات جامعه مسلمانان به‌ویژه ایرانیان دوره آل بویه نقش محوری ایفا کرده و به‌عنوان نهاد تأثیرگذار در ساخت و تغییر قدرت، عمل کرده است. (مفتخری و سجادی، ۱۳۹۱) در عصر آل بویه تجمع گروه بسیاری از مسلمانان از جمله زنان در مساجد، مورد توجه بود و نیز گردهمایی عالمان زن و مرد در این اماکن مورد احترام بود. بنابراین، مهمترین کانون پرسش، مناقشه و مناظرات علمی نیز بود. فضای سیاسی-مذهبی این دوره نیز بیش‌ازپیش برایین مباحث دامن می‌زد و هم از آن تأثیر می‌پذیرفت. در عصر آل بویه، تعالیم اسلامی برای ایجاد توان فکری و کمک به فهم مسائل، پرسش و مناقشه خطیبان و سخنرانان و یا اساتید و طلاب در مساجد به‌ویژه برای قشر زنان اهمیت

بسیاری داشت که این امر رفته رفته به یک سنت تاریخی تبدیل شد (ابن خلدون، ۱۳۵۹). زنان در دوره آل بویه توانستند به عنوان نیروهای اطلاع‌رسانی و تبلیغی شیعی در مساجد ایفای نقش کنند. می‌گویند هرگاه لازم بود مردم و به ویژه زنان از امری آگاهی یابند به حضور در مساجد دعوت می‌شدند. هنگامی که بیشتر اهالی شهر و به ویژه زنان در مسجد گردمی‌آمدند، انتقال اطلاعات و یا کار تبلیغی انجام می‌شد و این رسم و سنتی متداول بود. (فقیهی، ۱۳۹۰) در دوران حکومت آل بویه مردم و از جمله زنان در قبال ظلم و ستمی که نسبت به حقوق شخصی یا فرقه‌ای مذهبی آنها از سوی سلاطین و کارگزاران حکومتی صورت می‌گرفت، به صورت انفرادی و یا گروهی از طریق مساجد، ندای حق طلبی و دادخواهی سر می‌دادند. اقدامات مذکور اگرچه ممکن بود نتیجه عینی نداشته باشد از نظر تنویر افکار عمومی و رساندن صدای مظلومیت آنها و نیز افشای مظالم کارگزاران حکومتی نتایج شگرفی داشت، به گونه‌ای که می‌توان در بررسی علل ضعف و سقوط دولت آل بویه بدان توجه کرد. جالب اینجاست که برخی از عدالت خواهان و معترضان با وجود وقوف به عدم توفیق در اعتراضات سیاسی و نیز عدول نکردن حکومت از مواضع خویش به چنین حرکتی در مساجد دست می‌زدند که قدرت آل بویه شیعی مذهب و حاکمیت آنان در این امر بی‌تأثیر نبود (ابن اثیر، ۱۹۶۷، ۱۳/۵۵۸۴). استفاده از حضور مردم و زنان در این تجمعات در مساجد به عنوان پناهگاه و هنگام حوادث بی‌تأثیر نبود چنان‌که در حوادث سیاسی قرن پنجم و تهاجم گسترده غزان نیز کارکرد اجتماعی مسجد در ایجاد پناهگاه برای مردم گزارش شده است.

در دوره آل بویه در امتداد حضور زنان در مساجد به فعالیت‌های مختلف دعوت می‌شدند تا نه تنها کارکرد عبادی را پیش ببرند بلکه مسائل سیاسی-اجتماعی را نیز دنبال کنند. مصادیق و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که در سلوک بزرگان امامیه به ویژه در دوره حکومت آل بویه به مسئله زن و جایگاه آن در جامعه توجه ویژه شده است. تألیف آثار و زین علمی در باب النساء، اهدای برخی از کتاب‌ها به زنان فرهیخته، برگزاری جلسه‌های علمی با حضور زنان، تعلیم فنون تبلیغ، حمایت از مبارزات فرهنگی زنان در مساجد و واگذاری برخی از مسئولیت‌های اجتماعی به زنان از جمله مصادیق این مدعاست. این امر بیانگر آن

است که در این دوره بزرگان شیعی، تبیین مسئله تمدن اسلامی مبتنی بر معیارهای شیعی را بدون در نظر گرفتن نقش نهاد خانواده و جایگاه زنان در فعالیت‌های فرهنگی و اصلاح اجتماع در مراکز فرهنگی از جمله در مساجد امری ناممکن یا بینتیجه می‌دانستند (سعیدیان جزی، ۱۳۹۶). حضور زنان در برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره آل بویه و کارکردهای مسجد، این یقین را ایجاد می‌کند که با توجه به کارکردهای مختلف مسجد در این دوره، نیازهای اجتماعی آن روز مردم به ویژه زنان که دسترسی به مسجد برای آنها آسان تر بود، در کنار نگرش مثبت اجتماعی نسبت به این بنای الهی موجب شد تا مردم مسجد را مهمترین کانون اجتماعی بدانند. این نگرش نوعی واکنش نسبت به واگرایی‌های منتج از کارکردهای سیاسی مسجد و دلزدگی عمومی از اختلافات و هرج و مرج‌های سیاسی-مذهبی منتج از کانون مسجد که در این دوره وجود داشت، تلقی شد. در میان انواع کارکردهای اجتماعی زنان در مکان‌های مورد اطمینان عامه مردم، مسجد سهم و نقش ویژه‌ای برای نظام تعلیم و تربیت و ترقیات علمی-فرهنگی این دوره داشت که باعث شکل‌گیری عصر طلایی تمدن و فرهنگ اسلامی-ایرانی شد. با توجه به ظرفیت ممتاز سیاسی-اجتماعی جامعه آن روز، زنان به عنوان رسانه مؤثر اعتراض به سیاست‌های حاکم از سویی و انعکاس اخبار و سیاست‌های حکومتی از سوی دیگر به شمار می‌رفتند.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

پس از استقرار حکومت اسلامی توسط پیامبر ﷺ بر مبنای آموزه‌های اسلامی برگرفته از قرآن و سنت، زنان مانند مردان از ارزش والایی در جامعه اسلامی برخوردار شدند، اما پس از رحلت ایشان انحرافات در جامعه اسلامی پدیدار شد که نقش زنان را در ابعاد گوناگون علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کم‌رنگ کرد. با روی کار آمدن آل بویه (۳۲۲-۴۴۷) تاریخ شیعه به عنوان ادامه‌دهنده و تجلی اسلام راستین، دوره نوینی را برای زنان در عرصه‌های مختلف ایجاد کرد. اهمیت تحولات تاریخ تشیع در دوره حاکمیت آل بویه، پراکندگی و عمومیت آثار موجود و غلبه گرایش‌های فکری و روایی حاکم بر سنت نوشتاری منابع اسلامی تاحدودی بازسازی و بازکاوی نقش و جایگاه زن در دگرگونی‌های اجتماعی این دوره از تاریخ ایران



اسلامی را سخت و گاه ناممکن می‌کند. در دوره آل بویه زنان باتوجه به معیارهای ارائه شده در اسلام علاوه بر نقش مادری و همسررداری، توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی-فرهنگی را داشتند. مشارکت در پیشبرد اهداف متعالی و آرمان‌های اجتماعی در نهاد خانواده از مهم‌ترین و مؤثرترین مولفه‌های توانمندی زنان شیعی در این دوره بود. زنان شیعی یکی از ارکان اصلی جامعه ایمانی بودند و تدابیر جدی برای مشارکت هوشمندانه این گروه در عرصه‌های فکری-اجتماعی از سوی محافل فرهنگی-اجتماعی عصر آل بویه انجام گرفت. همسو با تدابیر و سیاست‌های آل بویه و بزرگان امامیه، بیشترین توجه زنان شیعی معطوف به پاسداشت میراث اهل بیت علیهم‌السلام و تبیین مسائل مختلف فقهی، کلامی، فلسفی و علمی بود و برای تحقق این امر، زنان شیعی با تلاش برای افزایش سطح دانایی دینی و توانمندی‌های اجتماعی در اصلاح و تقویت نگرش دینی شیعیان، مبارزات فرهنگی و مقابله با جریان‌های انحرافی مشارکت فعال داشتند. نتیجه این تلاش آن بود که به‌ویژه در حوزه اجتماعی، افزون بر نشر معارف الهی و تربیت انسان‌های صالح، زمینه‌های مناسبی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی مهم به‌ویژه در تاریخ اجتماعی شیعیان به وجود آمد چنان‌که دوران آل بویه دوران سربرآوردن زنان عالم در علوم مختلف دینی و توسعه کتابخانه‌ها و تألیف کتاب است.

توسعه فرهنگی و تمدنی اسلامی-شیعی در این دوره ارتباط مستقیم با حاکمان آل بویه داشت؛ زیرا علاوه بر آنکه این حکومت شیعی مذهب بود، برخی از آنها از اهل دانش و یا دوستدار آن بودند. حمایت‌های امیران آل بویه از دانشمندان و روحیه دانش‌پروری آن خاندان، زمینه‌های بالندگی علم در قرن چهارم و پنجم هجری را فراهم کرد. دولت آل بویه با اعمال تسامح و تساهل‌گری در اصول کشورداری خود، سهم و نقش عظیمی در خدمت به تولید علم ایفا کرد. از این رو، برپایی نشست‌های علمی در دوره آل بویه و فراوانی آن، حضور امیران و وزیران در آن مجالس و شرکت دانشمندان و اندیشوران از گروه‌های متفاوت و مخالف، دامنه وسیع موضوعات مورد بحث به‌ویژه موضوعات مربوط به فلسفه و کلام، حاکی از پویایی علم و پویندگی دانشمندان در آن دوره است که زنان نیز سهم قابل قبولی در این فعالیت‌ها در مجالسی که بیشتر در مساجد برگزار می‌شد، داشتند. اجتماعات به‌ویژه

جمع‌هایی که با حضور زنان در مساجد آل بویه برگزار می‌شد یکی از کانون‌های اصلی تبلیغ در آن روزگار بود. از همه مهم‌تر تأیید آنها از سوی مبلغان، روحانیون و علمای بزرگ مذهبی هر شهر تأثیرگذاری بسیاری داشت. برنامه‌های تبلیغ و تأیید آنها در اجتماع و محافل و منابر توسط مبلغین دینی (زن و مرد) در مساجد که به‌عنوان نمایندگان خلیفه مسلمین بودند مسیر قدرت را برایشان هموارتر می‌کرد و پذیرش حکومت، اقتدار و اقداماتشان را در نزد مردم مسلمان مساعد می‌کرد.

زنان در دوره آل بویه در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و تبلیغی فعالیت داشتند. در این بین، زنانی حضور یافتند که با معارف دینی آشنایی داشتند و در برخی سطوح علوم اسلامی صاحب نظر بودند. بنابراین، زنان در این دوره در زمینه دانش و فرهنگ با فعالیت‌های علمی-اجتماعی خود از طریق تربیت شاگردانی چند و تأسیس مراکز علمی و حمایت از دانشمندان ایفای نقش کردند. آنها با وجود اوضاع اقتصادی نابسامان حاکم بر جامعه و تأثیر منفی آن بر زندگی مردم از فعالیت‌های علمی و مذهبی خود دست برنداشتند، ولی در این دوره معیارهای پیشرفت تمدن و جامعه اسلامی نمود کامل پیدا نکرد؛ زیرا تنها تعدادی از زنان که وابستگان قدرت بودند توانایی حضور و مشارکت در برنامه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی را داشتند و در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با نشر فرهنگ شیعی تأثیرگذار بودند. زنان مسلمان با الهام از آموزه‌های مذهبی و فرهنگی شیعه و با توجه به جایگاه تعیین‌کننده خود در جامعه اسلامی در تثبیت، تعمیق علوم اسلامی، اشاعه فرهنگ شیعی و احیای تمدن اسلامی تأثیرگذار بودند و در برخی مراحل سرنوشت‌ساز شدند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم نژاد، محمد رضا، و پورعباس، محمد (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم تمدن نوین اسلامی با رویکرد معناشناختی. *نشریه تمدن‌های نوین اسلامی*، (۱۱)، ۱۳-۵۹.
۲. ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۷). *الکامل فی التاریخ*. مترجم: آژیر، حمیدرضا. بیروت: دارالکتب العربی. تهران: اساطیر.
۳. ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۸۹). *تاریخ طبرستان*. مصحح: اقبال، عباس. تهران: اساطیر.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹). *مقدمه ترجمه محمد پروین گنابادی*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. ابن خلکان، ابی‌عباس شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی‌بکر (۱۳۹۱). *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*. محقق: احسان عباس. قم: انتشارات شریف‌الرضی.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*. قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸). *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*. قم: نشر منشورات الرضی.



۸. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ ه.ق). **کشف المحجبه**. محقق: محمد حسون. قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹). **تجارب الامم**. محقق: امامی، ابوالقاسم. تهران: سروش.
۱۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۷۴). **الأغانی**. مترجم: مشایخ فریدنی، محمدحسین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. آریان پور، امیرحسین (۱۳۸۸). **زمینه جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات گستره.
۱۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۰). **دانشنامه سیاسی**. تهران: مروارید.
۱۳. انصاری پور، صادق (۱۳۹۴). **مظلومیت شیعه در عصر عباسیان، مجمع جهانی شیعه‌شناسی**. محقق: ابراهیمی، علیرضا. قم: دارالتهدیب.
۱۴. براهنی، رضا (۱۳۶۰). **تکمله‌ای بر تاریخ مذکر. نشریه آرش**، ۷(۵)، ۹۶-۱۰۰.
۱۵. بیانی، شیرین (۱۳۸۶). جایگاه زن در دستگاه خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این جایگاه. **نشریه هستی**، ۲۸ و ۲۹ (۳)، ۱۷-۲۱.
۱۶. بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی ابوالقاسم زید (۱۳۵۸). **دره الاخبار ولعمه الانوار**. مصحح: محمد شفیع. تهران: لاهور.
۱۷. ترکمنی‌آذ، پروین (۱۳۸۴). حاکمان زن شیعه مذهب در تاریخ ایران (سیده خاتون، ترکان خاتون، جان بیگم خاتون). **نشریه بانوان شیعه**، ۶ و ۷، ۴۹-۶۶.
۱۸. جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۴). **میزگرد تخصصی آیین‌وند، زن، معرفت تاریخی**. تهران: منتشر نشده.
۱۹. جعفری، مرضیه، و محمدی، رضا (۱۳۹۷). نقش ناشی خاتون در توسعه حرم حضرت احمدین موسی شاه چراغ علیه السلام. **نشریه علمی-تخصصی رهیافت فرهنگ دینی**، ۱(۱)، ۸۰-۹۰.
۲۰. حسن زاده، عبدالله، و میرعلی، سمیه (۱۳۹۴). نگاهی به نقش سه زن در تاریخ بیهقی. **نشریه مطالعات انتقادی ادبیات دانشگاه گلستان**، ۲(۶)، ۹۷-۱۱۴.
۲۱. خطیب بغدادی، احمدین علی (۱۴۲۱ ه.ق). **تاریخ بغداد**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲). تأثیر مکتب تشیع و زن ایرانی. **نشریه معرفت**، ۲۱، ۶۷-۲۹.
۲۳. روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴). **زمینه فرهنگ‌شناسی**. تهران: عطار.
۲۴. ریاحی، محمدحسین (۱۳۸۵). نقش بانوان شیعه اصفهان در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام. **نشریه زن مسلمان**، ۱۰، ۱۹۷-۲۳۶.
۲۵. زهانی معصومه، و حسن زاده، مهدی (۱۳۹۳). **بررسی تطبیقی جایگاه زن و ازدواج در دین زرتشتی و فقه امامیه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۶. سیحانی، جعفر (۱۴۱۸ ه.ق). **موسوعه طبقات الفقهاء**. قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۲۷. سجادی، صادق (۱۳۶۷). **آل بویه، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی**. تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۲۸. سعیدیان جزی، مریم (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی نقش اجتماعی زنان شیعی و پیامدهای آن در سده نخستین عصر غیبت. **نشریه زن و جامعه**، ۱(۸)، ۱۱۹-۱۴۲.
۲۹. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم (۱۳۹۵). **التحییر فی معجم الکبیر**. محقق: ناجی سالم، منیره. بغداد: ریاسه دیوان الاوقاف.
۳۰. سید مرتضی (۱۴۰۵ ه.ق). **رسائل الشریف المرتضی**. محقق: رجایی، سید مهدی. قم: دارالقرآن الکریم.
۳۱. سیف‌الله، نحوی (۱۳۸۱). **آل بویه حامیان فرهنگ تشیع**. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۲. شبانکاره‌ای، محمدبن علی (۱۳۸۱). **مجمع‌الانساب**. تهران: بی‌نا.
۳۳. شریفی، لیلا (۱۳۸۹). **بررسی اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آل بویه شاخه جبال**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۳۴. شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی (۱۴۱۵ ه.ق). **رجال الطوسی**. محقق: قیومی اصفهانی، جواد. قم: انتشارات اسلامی.
۳۵. صدراچ سیدجوادی، احمد (۱۳۸۳). **دایره‌المعارف تشیع**. تهران: انتشارات حکمت.
۳۶. طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۳). **تاریخ طبری**. مترجم: پاینده، ابوالقاسم. تهران: انتشارات اساطیر.
۳۷. طبرسی، حسین ابن محمدتقی (۱۴۲۰ ه.ق). **خانمه مستدرک الوسائل**. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
۳۸. عزیزی، حسین (۱۳۹۴). جایگاه علمی زنان در تاریخ‌نگاری مسلمین. **نشریه پژوهش‌های تاریخی**، ۱(۵)، ۸۵-۱۰۲.

۳۹. عمادزاده، حسین (۱۳۷۵). *تاریخ مفصل اسلام*. تهران: انتشارات اسلام.
۴۰. فقیهی، علی اصغر (۱۳۹۰). *تاریخ آل بویه*. تهران: سمت.
۴۱. قفطی، علی ابن یوسف (۱۳۷۱). *تاریخ الحکما یا اخبار العلما*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۲. قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۹۴). *صحیفه المهدی علیه السلام*. قم: جامعه اسلامی مدرسین حوزه علمیه.
۴۳. کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۸۶). *جستاری نظری در باب تمدن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۴. کاهن، کلود (۱۳۸۳). مقاله آل بویه. مترجم: بحسرانی، علی. *نشریه رشد آموزش*، ۱۵(۵)، ۲۴-۲۹.
۴۵. لانگه، سارا (۱۳۷۲). *معیارهایی برای تواناسازی زنان*. تهران: روشنگران.
۴۶. لوکاس، هنری (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن*. مترجم: آذرنگ، عبدالحسین. تهران: مؤسسه کیهان.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶). *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. *مجمّل التواریخ و القصص* (بی تا). مصحح: بهار، ملک الشعرا. تهران: کلاله خاور.
۴۹. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۹). *اصول و پایه های تمدن اسلامی*. مترجم: پارسا، محمدصادق. تهران: انتشارات محبان الحسین علیه السلام.
۵۰. مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۹). *تجارب الامم*. مترجم: امامی، ابوالقاسم. تهران: سروش.
۵۱. مفتخری، حسین، و سجادی، فریبرز (۱۳۹۱). مسجد و سیاست در عصر آل بویه. *نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۴(۴)، ۱۳۳-۱۵۸.
۵۲. موسوی جاجرمی، سیدمرتضی (۱۳۸۷). نقش فقها و متکلمین قرن چهارم هجری در گسترش تشیع در ایران. *نشریه پژوهش نامه تاریخ*، ۱۴(۳)، ۱۵۵-۲۰۰.
۵۳. مؤمن، رقیه سادات، و غروی نایینی، نهله (۱۳۹۵). تعالی علمی بانوان در پرتو سیره علوی. *نشریه النهج*، ۱(۱)، ۴۲-۱۹.
۵۴. میردامادی، مینا سادات (۱۳۹۵). *جایگاه و نقش اجتماعی زنان در عصر آل بویه*. پایان نامه سطح ۳ تاریخ اسلام. مدرسه علمیه مجتهده امین. اصفهان.
۵۵. میرزاقمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۳۷۱). *جامع الشتات فی اجوبه المسائل*. محقق: رضوی. تهران: کیهان.
۵۶. نحوی، سیف الله (۱۳۸۱). *آل بویه حامیان فرهنگ تشیع*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۷. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق). *مستدرک الوسائل*. قم: آل بیت علیهم السلام.
۵۸. هربرت، بوسه (۱۳۹۰). *ایران در عصر آل بویه*. مترجم: انوشه، حسن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۹. وطن خواه، قدریه (۱۳۹۴). *بررسی وضع علوم و آموزش در بغداد روزگار آل بویه*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی. تهران.